

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

صد گفتار

خلاصه آثار شهید مطهری

(دفتر اول)

فهرست مطالب

- مقدمه حضرت آیت الله مهدوی کنی..... ۱۱
- مقدمه جناب آقای دکتر حداد عادل..... ۱۵
- مقدمه دفتر مطالعات و تحقیقات علوم اسلامی..... ۲۴

خلاصه کتاب «ده گفتار»

- ۱ و ۲. تقوا..... ۳۵
- آثار تقوا..... ۳۹
۳. امر به معروف و نهی از منکر..... ۴۴
۴. اصل اجتهاد در اسلام..... ۴۹
۵. احیای فکر دینی..... ۵۶
۶. فریضه علم..... ۶۰
۷. رهبری نسل جوان..... ۶۶
- ۸ و ۹. خطابه و منبر..... ۷۰
۱۰. مشکل اساسی در سازمان روحانیت..... ۷۵

خلاصه کتاب «بیست گفتار»

۱. عدالت از نظر علی علیه السلام..... ۸۷
۲. اصل عدل در اسلام..... ۹۰
۳. مبانی اولیه حقوق از نظر اسلام..... ۹۳
۴. احترام حقوق و تحقیر دنیا..... ۹۶

۵. تفاوت‌های بجا و تفاوت‌های بی‌جا ۱۰۰
۶. رزاقیت الهی ۱۰۴
۷. امام صادق علیه السلام ۱۰۷
۸. امام موسی بن جعفر علیه السلام ۱۱۰
۹. شداید و گرفتاریها ۱۱۳
۱۰. فواید و آثار ایمان ۱۱۵
۱۱. نظر دین درباره دنیا ۱۱۷
۱۲. نظر اسلام در باره علم ۱۲۰
۱۳. پرسشهای دینی ۱۲۲
۱۴. عقل و دل ۱۲۴
۱۵. درسی که از فصل بهار باید آموخت ۱۲۵
۱۶. قرآن و مسأله تفکر ۱۲۷
۱۷. استدلال قرآن به مسأله حیات بر توحید ۱۲۸
۱۸. دعا ۱۳۰
۱۹. دستگاه ادراکی بشر ۱۳۲
۲۰. انکارهای بی‌جا ۱۳۳

خلاصه کتاب «آزادی معنوی»

- ۱ و ۲. آزادی معنوی ۱۳۷
- ۳ و ۴. توبه ۱۴۰
- ۵، ۶، ۷، ۸. عبادت و دعا ۱۴۶
- ۹، ۱۰، ۱۱. هجرت و جهاد ۱۵۴
۱۲. بزرگی و بزرگواری روح ۱۶۰
۱۳. ایمان به غیب ۱۶۳
۱۴. معیار انسانیت چیست؟ ۱۶۶
۱۵. مکتب انسانیت ۱۶۸

خلاصه کتاب «حکمتها و اندرزها»

۱. «خدا شناسی» مبنای «انسانیت» ۱۷۵
۲. «خداشناسی»، پایه و اساس دین ۱۷۶
۳. «دین»، پشتوانهٔ سعادت ۱۷۷
۴. بردگان و آزادگان ۱۷۸
۵. یاد خدا، تنها مایهٔ آرامش جان ۱۷۹
۶. دین، یگانه رام کنندهٔ نفس اماره ۱۸۰
۷. راه سعادت ۱۸۱
۸. ارکان سعادت بشر ۱۸۲
۹. ایمان و عمل صالح ۱۸۳
۱۰. خواری معصیت و عزت طاعت ۱۸۴
۱۱. ارزش سرمایهٔ عمر ۱۸۵
۱۲. دنیا، مزرعهٔ آخرت ۱۸۷
۱۳. انسان، مربی خود ۱۸۸
۱۴. محاسبهٔ نفس ۱۸۹
۱۵. ظلم به نفس ۱۹۰
۱۶. توبه ۱۹۰
۱۷. استغنا و بی‌نیازی، حافظ کرامت آدمی ۱۹۱
۱۸. حقیقت زهد ۱۹۲
۱۹. ساده زیستی و پرهیز از تکلف ۱۹۳
۲۰. حق و تکلیف ۱۹۴
۲۱. خصوصیات حق از نظر علی علیه السلام ۱۹۵
۲۲. حقوق مردم بر یکدیگر ۱۹۵
۲۳. دوران خلافت امیرالمؤمنین علی علیه السلام ۱۹۷
۲۴. تربیت علی علیه السلام - مقام نهج البلاغه ۱۹۹

۲۰۰	۲۵. روش سیاسی علی <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>
۲۰۱	۲۶. دشمنان عقل
۲۰۲	۲۷. تقوا و روشن بینی
۲۰۲	۲۸. روحیه سالم
۲۰۲	۲۹. آرزوهای دراز
۲۰۳	۳۰. مرگ در نظر مردان خدا
۲۰۳	۳۱. سرمایه خُلق نیک
۲۰۴	۳۲. قلب سلیم
۲۰۵	۳۳. تأثیر کار در تهذیب اخلاق
۲۰۶	۳۴. لزوم همگامی کار و دانش
۲۰۷	۳۵. صبر و ظفر
۲۰۸	۳۶. اختیار، امتیاز بزرگی انسان
۲۰۹	۳۷. نعمت زبان و نطق
۲۰۹	۳۸. تأثیر عمل در هدایت بشر
۲۱۰	۳۹. روحیه اجتماعی مؤمن
۲۱۱	۴۰. رعایت جنبه‌های معنوی و اخلاقی در انفاق
۲۱۲	۴۱ و ۴۲. فقر روحی و فکری و معنوی
۲۱۴	۴۳. تعصب باطل
۲۱۴	۴۴ و ۴۵. موجبات کاهش تأثیر تعلیمات دین
۲۱۷	۴۶. خطر تحریف در اسناد دینی
۲۱۷	۴۷. تأثیر گناه و معاشرت با بدان در سیاه‌دلی
۲۱۸	۴۸. تعارفهای دروغین

خلاصه چند سخنرانی

۲۲۳	شعائر اسلامی
۲۳۵	خرافه سیزده

فهرست مطالب • ۹

۲۴۱ ضرورت فراگیری زبان عربی
۲۴۵ جستجوی حقیقت
۲۴۸ سعادت
۲۵۴ الغدير و وحدت اسلامی
۲۵۷ مسألة نفاق
۲۶۵ شأن نزول سورة منافقون
۲۶۷ مروری بر سورة منافقون

ضمیمه

۲۷۳ نگاهی به کتاب «داستان راستان»
۲۸۲ رسول اکرم و دو حلقه جمعیت
۲۸۲ شهرت عوام
۲۸۵ آخرین سخن
۲۸۵ بنده است یا آزاد؟
۲۸۷ مرد شامی و امام حسین <small>علیه السلام</small>
۲۸۸ همسفر حج
۲۸۹ تصمیم ناگهانی
۲۹۱ بازار سیاه
۲۹۲ پیام سعد
۲۹۵ کتابنامه

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين.

سئل أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام: هَلْ يَسْعُ النَّاسُ تَرْكَ الْمَسْأَلَةِ عَمَّا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ؟ فَقَالَ: لَا

(الاصول من الكافي، ج ۱، ص ۳۰، حدیث ۳)

مراتب و درجات علمی شهید فرزانه آیت الله حاج شیخ مرتضی مطهری آ؛ برکسی پوشیده نیست، ولی در عین حال باید اعتراف کرد که دقایق فکر و زوایای اندیشه آن عالم ربانی و متفکر متأله، آن گونه که باید و شاید نزد اهل فکر و نظر بویژه دانشجویان و دانشگاہیان و طلاب و جوانان اهل تحقیق و تشنه دریافت حقایق، شناخته شده نیست. از نخستین روزهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون مبانی فکری و اعتقادی اسلامی این انقلاب مورد هجوم آشکار و پنهان و بی‌امان دشمنان بوده است. سست کردن اعتقادات دینی جوانان و گسستن آنها از مبانی اسلامی یکی از مظاهر و مصادیق تهاجم فرهنگی است که در سالهای اخیر شتاب و وسعت بیشتری یافته است. دشمنان قسم‌خورده انقلاب نیک می‌دانند که یکی از مؤثرترین راههای به شکست کشاندن این انقلاب که دستاورد خون صدها هزار شهید و ثمره مجاهدت روحانیت معظم شیعه در تاریخ معاصر شیعه می‌باشد، استحاله فرهنگی آن و به فراموشی سپردن معارف قرآن و اهل بیت علیهم السلام می‌باشد. شاید بتوان گفت برجسته‌ترین ویژگی شهید مطهری نیز توجه به همین نکته و وقف سرمایه عمر خود برای مبارزه با آن بود. امروز نیز نیاز نسل جوان ما به شناخت معارف اسلامی ناب و به‌دور از هرگونه کج فهمی و التقاط، آن گونه که مرحوم شهید مطهری آن را می‌فهمید و تبیین می‌کرد، اگر

بیشتر از گذشته نشده باشد، کمتر نیست. و همان گونه که در حدیث مذکور در صدر سخن، امام هفتم علیه السلام در پاسخ به یکی از یارانشان فرمودند، بر ما شیعیان جایز و روا نیست که برای یافتن پاسخ پرسشها و برآوردن نیازهای علمی خود و جامعه دست از پرسش و تلاش و تحقیق برداریم. امیدوارم اثری که پیش روی دارید و به کوشش دفتر مطالعات و تحقیقات علوم اسلامی مرکز تحقیقات دانشگاه امام علیه السلام صادق علیه السلام تهیه شده است، ان شاء الله از نمونه‌های این تلاش علمی به حساب آید و در تقویت روحیه تحقیق و دانش‌پژوهی در عرصه معارف اسلامی مؤثر واقع شود.

درباره این اثر که یک مجموعه چند جلدی است، تذکر چند نکته را

ضروری می‌دانم:

۱. براساس گزارش دست اندرکاران ذی‌ربط در این مجموعه کلیه آثار شهید مطهری بجز آثار فلسفی آن بزرگوار به روشی دقیق و علمی تلخیص شده است. روش تلخیص و مفاد مجلدات در مقدمه‌ای که از سوی دفتر مطالعات و تحقیقات علوم اسلامی تهیه شده، آمده است.

۲. تلخیص آثار ارزشمند بزرگان، یک سنت علمی ممدوح و دارای سابقه در تمدن اسلامی است. کتابهایی فراوان که با پیشوند تلخیص، خلاصه، ملخص، مختصر، مختار، منتخب، گلچین و حتی مهذب و تهذیب پدید آمده‌اند، بخشی قابل توجه از میراث مکتوب ما را تشکیل می‌دهند. در دهه‌های اخیر در زبان فارسی نیز پاره‌ای آثار ادبی و تاریخی ذیل عناوینی مانند گزیده، برگزیده و به‌گزیده تلخیص و به دست‌دران دانش عرضه شده است. نکته قابل توجه درباره این دسته از منابع این است که عموم پدید آورندگان آنها خود از بزرگان علم و ادب بوده‌اند. مثلاً علامه حلی (۷۲۶ ق.) که از بزرگترین دانشمندان جهان اسلام و صاحب‌نظر در علوم بسیار به ویژه کلام و فقه بود، کتاب معروف مصباح المتجهجده شیخ طوسی (۴۶۰ ق.)؛ را تحت عنوان منهاج الصلاح فی مختصر المصباح خلاصه کرد و کتاب کوچک و پراوازه الباب الحادی عشر (فصل

یازدهم) را نیز به عنوان تکمله‌ای بر آن که فاقد بحثی در اصول عقاید بود، گذاشت. البته گاه بزرگان خود به تلخیص آثار خود می‌پرداختند. مثلاً محقق حلی خود به خلاصه کردن کتاب مهم و مشهور شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام دست زد و آن را النافع فی مختصر الشرائع معروف به المختصر النافع نام نهاد. این نوع فعالیتها درباره آثار اندیشمندان اسلامی و شیعی معاصر کمتر به چشم می‌خورد و حال آنکه اگر عالمان بزرگ به تهذیب و تلخیص آثار مفصل خود و دیگران پردازند، ضمن حصول اطمینان از اتقان و صحت مطالب، سنت حسنه علمای سلف نیز پاس داشته می‌شود. امید است تلخیص آثار شهید مطهری که افتخار آن نصیب فرزندان معنویم در دانشگاه امام صادق علیه السلام شده، فتح بابی برای احیای این سنت حسنه شود و در جهانی که بر مدار سرعت دستیابی به اطلاعات می‌گردد، اقدامی شایسته برای عرضه محتوای ذخایر گرانبهای شیعی به نسل جوان و تشنه معارف از طریق خلاصه کردن آنها صورت پذیرد و حتی در صورت امکان با ترجمه آنها به زبانهای مختلف امکان استفاده دیگران را فراهم آورد.

۳. خلاصه کتابهای شهید مطهری که در این مجموعه عرضه می‌شود دارای یک تجربه موفق آموزشی است، به این معنی که این خلاصه‌ها به عنوان متن آموزشی برای استفاده در طرح مطالعاتی آثار شهید مطهری تهیه شده است در طی چندین دوره اجرایی موفقیت‌آمیز این طرح، جرح و تعدیل و اصلاح شده است. مجری این طرح مطالعاتی بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه السلام بوده است که جا دارد در همین جا از زحمات آنها تشکر نمایم و توفیق خدمت هر چه بیشتر آنها را از خداوند متعال درخواست نمایم.

با توجه به آنچه گفته شد، مجموعه حاضر می‌تواند در محیطهای دانشگاهی و کانونهای علمی مساجد و حتی حوزه‌های علمیه، به عنوان متن آموزشی برای آشنایی با افکار و آثار شهید مطهری مورد استفاده قرار گیرد.

در پایان ضمن تشکر مجدد از همه کسانی که در تهیه این مجموعه دارای سهم بوده‌اند، موفقیت همه خدمتگزاران صدوق نشر معارف قرآن و اهل البیت علیهم‌السلام را از خداوند متعال خواهانم.

دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

محمد رضا مهدوی کنی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
ربنا اغفر لنا و لاخواننا الذين سبقونا بالايمان
و لاتجعل في قلوبنا غلاً للذين آمنوا ربنا انك رؤوف رحيم

سخن گفتن درباره شهید مطهری و تلاش برای شناساندن شخصیت بزرگی مثل او در مجال کوتاهی مانند مقدمه یک کتاب، کاری دشوار و بلکه ناممکن است و یقیناً حق آن مرد بزرگ به این ترتیب ادا نمی‌شود. سعی بنده این است که از میان نکات فراوان شایسته ذکر، به صورت فهرست‌وار تنها به ذکر نکاتی بپردازم که به عنوان درآمد و مدخلی مناسب جهت آشنایی با آراء و افکار استاد مطهری برای همه علاقه‌مندان به آثار ایشان مفید است.

مهمترین نکته‌ای که در مواجهه با استاد مطهری و در مطالعه آثار او باید در نظر داشته باشیم، این است که وی یک متفکر دینی است، متفکری متدین و متشرع که بیش از هر چیز دغدغه ایمانی دارد و نگران از دست رفتن اعتقاد دینی جامعه است. این خصوصیت به استاد مطهری یک غیرت دینی بخشیده که تقریباً همه آراء و افکار و بلکه همه فعالیت‌های ایشان را در عمر پرپرکتشان از این خصوصیت برخوردار کرده است. تألیفات، درسها، سخنرانیها و اقدامات اجتماعی ایشان همه متأثر از این امر است. ایشان همواره در پی آن بود که دردها و نارسایی‌ها و خطرات متوجه دین و دینداری را تشخیص دهد و در حد توان به درمان دردها، جبران نارسایی‌ها و مبارزه با خطرات بپردازد.

نکته دیگری که برای مطالعه و فهم آثار استاد مطهری باید به آن توجه شود، آشنایی با زمانه‌ای است که ایشان در آن می‌زیسته است. دوران زندگی و تفکر استاد مطهری یک دوران پرحادثه و حساسی در تاریخ اسلام و ایران است. بنده این عبارت را که از خود ایشان شنیدم فراموش نمی‌کنم که فرمودند: در ایران هیچ دوره‌ای برای اسلام خطرناکتر از دوران مشروطیت تا سال ۱۳۲۰ نبوده است. استاد مطهری در دهه ۲۰ تا ۳۰، عمر خود را در حوزه علمی‌قم گذراند و از همین زمان تحقیق و تفکر در مسائل اسلامی را آغاز نمود. برای ورود به عالم تفکر استاد مطهری، شناخت ابعاد مختلف فکری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آن دوران و بویژه فاصله سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ ضرورت دارد. باید دانست در این فاصله زمانی چه جریاناتی در جامعه وجود داشته که استاد مطهری نسبت به آنها حساسیت و واکنش به‌خرج داده است.

یکی از این جریانات، جریان روشنفکری صدر مشروطه و آن نحوه تفکری است که متفکران حامی حکومت رضاخان در ایران تبلیغ می‌کردند. در این جریان یک غربگرایی افراطی وجود دارد و از خصوصیات آن الحاد، ماتریالیسم و ماده‌انگاری و پوزیتیویسم به‌معنای علم‌پرستی و نفی هرگونه تفکر فلسفی و مابعدطبیعی است. همین جریان است که سبب شد جمع کثیری از نسل جوان ما گمان کنند که دین و تعالیم دینی با علم و تحول صنعتی مخالف است و لذا برای رسیدن به رفاه و تمدن باید به تعالیم دینی پشت کرد. در این دوره در اثر فشار شدید رضاخانی، ما شاهد ضعف فوق‌العاده حوزه‌های علمیه هستیم. در اثر این ضعف حوزه‌ها نتوانستند نشاط فکری کافی داشته باشند و در عوض، روشنفکران غربگرا نتوانستند با حضور در عرصه دانشگاهها، مطبوعات و کتابها، اندیشه‌های خود را در جامعه ترویج نمایند.

جریان دیگری که پس از شهریور ۱۳۲۰ وارد جامعه ایران شد، مارکسیسم است. مارکسیسم از لحاظ الحاد و مادیگری تفاوتی با جریان روشنفکری غربگرا نداشت، اما از جهت تفکر اجتماعی خود با داعیه حمایت از محرومان و ستمدیدگان، جاذبه فوق‌العاده‌ای برای جوانان داشت. مارکسیستها و حزب توده

از ظلم و ستمی که در دوران رضاخان توسط خود او و فئودالها و خوانین بر مردم رفته بود، نهایت استفاده را کردند. و این بی‌عدالتی زمینه‌ای را ایجاد کرده بود که جامعه از مکتبی مانند مارکسیسم و کمونیسم که وعده نجات کارگران و دهقانان محروم را می‌داد، بخوبی استقبال کند. از سوی دیگر مارکسیسم همواره دم از علمی بودن می‌زد و جامعه ایران هم از حدود مشروطیت شیفته علم شده بود و این امر نیز به نوبه خود زمینه رشد و رواج مارکسیسم را در ایران فراهم آورد. اگر چه حزب توده در برهه‌هایی به صورت تاکتیکی، مخالفت خود را با مذهب آشکار نمی‌کرد، ولی حقیقت مسأله این بود که آنها دین و مذهب را خرافه می‌دانستند و حتی به عنوان افیون جامعه معرفی می‌کردند.

از حدود سالهای ۱۳۵۰ به بعد، جریان فکری دیگری وارد فضای اندیشه‌های اسلامی در ایران شد که جریان التقاط بود. تفکر التقاطی، مجموعه‌ای بود از عناصر ناهم‌ساز که در آن بعضی اجزاء از قرآن و نهج البلاغه و روایات معصومین علیهم‌السلام و یا از آراء فیلسوفان و دیگر علمای اسلامی اقتباس شده بود و برخی دیگر از عناصر مارکسیسم و پوزیتیویسم و دیگر جریانهای فکری ضد دینی در غرب. این طرز تفکر جریان حساس و خطرناکی بود که در دوران حیات استاد مطهری پدید آمد.

آشنایی با جریانات مذکور که زمینه‌ساز بسیاری از اندیشه‌های شهید مطهری است، ما را در فهم هر چه کاملتر آثار ایشان یاری می‌کند. نمونه‌ای از چنین اندیشه‌هایی را در کتابهایی همچون اسلام و مقتضیات زمان، علل گرایش به مادیگری، مسأله حجاب، نظام حقوق زن در اسلام، اصول فلسفه و روش رئالیسم، فلسفه اخلاق و... می‌توان یافت. البته باید توجه داشت که آثار استاد مطهری اعم از سخنرانیها، مقالات و کتابهای ایشان ارتباط عمیقتری با مسائل جاری در متن جامعه داشته و در مخالفتهای ایشان با جریانات ضد دینی مذکور منحصر نمی‌شود. در بسیاری از موارد مناسبت خاصی اقتضا کرده که ایشان موضعگیری نماید و از خود واکنش نشان دهد و این مناسبتهای خاص گاهی

یک مسأله سیاسی در داخل کشور یا در عالم اسلام، گاهی بدفهمی‌های مردم از تعالیم دین، گاهی اشکالات و نارسایی‌های موجود در میان علمای دین، گاهی نگارش مقاله یا نمایش یک فیلم و... بوده است. به هر حال شناخت این مناسبتها نیز برای شناخت اندیشه‌های استاد مطهری مفید و بلکه ضروری است.

البته از سخنان فوق نباید نتیجه گرفت که اندیشه‌های استاد مطهری یکسره جنبه دفاعی و احتجاجی دارد، یعنی چنین نیست که عمر ایشان صرفاً مصروف دفع شبهه و پاسخ دادن به نغمه‌های مخالف دین شده باشد. زیرا در عین حال که ایشان همت خود را عمدتاً متوجه دفع خطرات و پاسخ به شبهات مختلف اعتقادی و فقهی و اخلاقی کرده بود، از سوی دیگر سعی داشت خود اسلام و تعالیم اسلامی را آن‌چنان‌که هست بشناساند؛ لذا از این حیث می‌توان آثار استاد مطهری را به دو دسته تقسیم نمود: یک دسته آثاری که برای دفع شبهات و جریانهای مخالف مطرح شده و جنبه احتجاجی دارد، و دسته دیگر آثاری که برای معرفی خود اسلام ارائه و بیان شده و جنبه اثباتی و ایجابی دارد. کتابهای زیر را می‌توان از جمله آثار دسته اخیر دانست: **داستان راستان، حکمتها و اندرزها، گفتارهای معنوی، ده گفتار، بیست گفتار، تعلیم و تربیت در اسلام، آشنایی با قرآن (مجموعه تفاسیر)، سیری در نهج البلاغه و...**

نکته مفید دیگر در مطالعه آثار استاد مطهری توجه به مخاطبان خاص اوست. استاد مطهری در سال ۱۳۳۱ از حوزه علمیه قم به تهران آمد و از سال ۱۳۳۴ به تدریس در دانشگاه مشغول شد. تماس مستقیم ایشان با مجامع دانشگاهی و ارتباط با دانشجویان و استادان دانشگاه و گروههای تحصیلکرده جامعه در تکوین و شکل‌گیری بسیاری از اندیشه‌های ایشان سخت مؤثر واقع شد. در حقیقت استاد مطهری در آن دوران به سوی نسل و گروهی آمد که آن نسل و گروه به سوی حوزه علمیه و روحانیت نمی‌رفت. این مواجهه و ارتباط که امروزه با عنوان پیوند حوزه و دانشگاه از آن یاد می‌شود، عاملی است که می‌توان آن را در کنار شایستگی‌های ذاتی استاد مطهری از مهمترین عوامل توفیق

ایشان در تبیین معارف دینی و دفاع از آن معارف به حساب آورد. این مواجهه سبب می‌شد که از سویی ایشان خود را در ببحوحه افکار معارض دین بیابد و شکوک و شبهات دینی را به‌طور مستقیم از زبان اطرافیان خود بشنود و به‌طور جدی خود را نسبت به پاسخگویی به آنها ملزم بداند، و از سوی دیگر حضور ایشان در این محیط، این امکان را فراهم می‌کرد که سخنان ایشان با بیان‌رسا و قلم توانا به مخاطب مورد نظر برسد. هجرت استاد مطهری به تهران و مواجهه با این نسل و طبقه خاص جامعه، عاملی بود که سبب شد گوهر اندیشه او در عرصه‌های مختلف اسلام‌شناسی به علت فاصله‌ای که در آن زمان میان دو نهاد حوزه و دانشگاه وجود داشت، مخفی نماند، بلکه بطور شایسته عرضه شود و بطور گسترده طبقات مختلف جامعه را بهره‌مند نماید. در این زمینه باید به سخنرانیها و درسهای استاد در دانشگاههای مختلف، مساجد، انجمن اسلامی مهندسین، انجمن اسلامی پزشکان و بویژه محافل همچون حسینیه ارشاد و مسجد الجواد اشاره کرد.

نکته دیگری که شایسته ذکر است، مسأله روش اندیشه و تفکر شهید [مطهری] است که به گمان من گرانبهاترین و مهمترین میراث او برای ماست. چنانچه ذکر شد مخاطبان خاص شهید مطهری عمدتاً افراد دانشگاهی و تحصیلکرده و بعضاً روشنفکرانی بیش و کم آشنا با معارف اسلامی بودند و باید دانست که استاد برای برقراری ارتباط با این نسل از چه روش و چه زبانی استفاده کرده است. منظور از زبان، آن زبان فکری است که یقیناً سرّ توفیق استاد در برقراری ارتباط با جوانانی بود که در برابر خطری بی دینی و بی‌ایمانی و ضدیت با اسلام و فروغلتیدن در دام الحاد و ماتریالیسم قرار داشتند و استاد مطهری رسالت خود را حفاظت از دین و ایمان آنها می‌دانست. استاد در ارتباط با مخاطبان خود روش و زبان فکری خویش را بر استدلال عقلی مبتنی کرد نه استدلال نقلی و نه بیان استحسانی و خطابی و حتی نه بیان عرفانی - علی‌رغم ارادتی که به عرفان داشت. او مسیر مشترکی را که مخاطب قادر بود به همراهش طی کند، جاده تفکر عقلانی تشخیص داد و هم خود را مصروف این کرد که

دین را مجموعه‌ای فهمیدنی، استدلال پذیر و قابل تعقل معرفی کند. قابل توجه است که استاد در همه آثار خود به تمام موضوعات از منظر عقلانیت می‌نگرد و آنچه را که به صورت معقول و مستدل در نمی‌آید، به گفتار یا نوشتار در نمی‌آورد. این زبان فکری و این روش خردگرایانه را می‌توان به عنوان پیام مهم و میراث ماندگار استاد مطهری برای همه متفکران دینی تلقی کرد.

تکیه بر عقل و روش استدلالی به شهید مطهری جرأت و جسارتی بخشیده بود که هر چه را مخالف عقل می‌دید، کنار می‌گذاشت. او حتی در فهم قرآن و حدیث، عنصر اول را عقل می‌دانست و در بیان آراء و افکار خود ترسی از قضاوت دیگران نداشت و خود را موظف می‌دید حقیقت را بگوید. در این زمینه استاد حداقل با سه گروه مواجه بود: گروه اول روحانیانی که گرفتار جمود بودند، مطالب استاد در نقد جمود و قشریگری خوارج و بویژه اخباریگری ناظر به این گروه است. گروه دیگر کسانی بودند که خواسته یا ناخواسته موجب تحریف تعالیم دینی می‌شدند که می‌توان در این زمینه به نقدهای استاد نسبت به وعاظ و اهل منبر و سخنرانان مذهبی در مباحثی مانند تحریفات عاشورا اشاره کرد و حقیقت این است که جرأت و شهامت استاد در مخالفت و نقد این دو گروه را نباید کمتر از شجاعت ایشان در مقابل دستگاه طاغوت به حساب آورد.

گروه سوم روشنفکران مذهبی بودند که سعی می‌کردند مطابق با دیدگاههای خاص خود به معرفی دین به جامعه و بویژه نسل جوان بپردازند. استاد مطهری از ناحیه این گروه بیشتر نگران التقاط بود و با متانت و تواضع و رعایت انصاف به نقد آراء آنها می‌پرداخت. ایشان نمونه بارز چهره التقاط را در آثار مجاهدین خلق و از آنها بدتر در آثار گروه فرقان می‌دید. مخالفت صریح استاد با اندیشه‌های گروه فرقان در مقدمه چاپ هشتم کتاب علل گرایش به مادیگری منعکس شده و می‌توان ادعا کرد که یکی از علل مؤثر در شهادت ایشان توسط این گروه منحرف، همین مخالفت صریح بود. در مخالفت و انتقادهای استاد مطهری نسبت به اندیشه‌های دینی و اسلام‌شناسی برخی از روشنفکران باید توجه داشت که ایشان گاهی در این راستا شدیدترین انتقادهای را

نسبت به نزدیکترین و صمیمی‌ترین دوستان خود ایراد می‌کرد، نقدی که به اندیشه‌های مهندس بازرگان در مقدمه جلد پنجم اصول فلسفه و روش رئالیسم وارد کرده‌اند، از همین گونه است. استاد مطهری جلسات و مراودات دوستانه زیادی با مهندس بازرگان داشت و ایشان و خود را در مسائل سیاسی هم‌رزم می‌دانست و حتی پس از دستگیری او، در جلسات دادگاه حاضر می‌شد و تصمیمات دادگاه و سرنوشت او را دنبال می‌کرد. در عین حال می‌بینیم آنجا که پای تبیین صحیح معارف دینی در میان می‌آید، استاد مطهری از نقد و انتقاد نسبت به اندیشه‌های چنین دوستی هم کوتاهی و چشم پوشی نمی‌کند. همین‌طور است برخورد استاد با اندیشه‌های اسلام‌شناسانه دکتر شریعتی. اما با این حال در تمام این مخالفتها و انتقادهای هیچ‌جا اثری از تکبر و نخوت و یا برخوردی از سر نفسانیات مشاهده نمی‌شود، یعنی نقد علمی و متهورانه او نیز با دغدغه دینی و خداخواهانه بود، نه برخاسته از خصومت‌های شخصی.

خصوصیت نادر و بسیار مهم دیگر استاد مطهری که کاملاً در آثار ایشان نیز منعکس شده است، جامعیت ایشان است. این جامعیت از دو جنبه قابل لحاظ می‌باشد. یکی از جنبه روش، به این معنی که ایشان اگر چه بر روش عقلی و استدلالی تکیه تام داشت، اما یک فیلسوف خشک عقلی نبود و در جای خود عشق و محبت می‌ورزید و یا از خود نفرت و انزجار نشان می‌داد و به این ترتیب در کنار بیان عقلی از تأثیر بیانات خطابی و عاطفی نیز بهره می‌برد. به عنوان مثال در عین پرداختن به بحث‌های عقلی و استدلالی، هنگامی که به منبر می‌رفت عزاداری ائمه علیهم‌السلام را فراموش نمی‌کرد، بلکه روضه می‌خواند و اشک می‌ریخت و اشک می‌گرفت.

جنبه دیگر جامعیت استاد مطهری گستردگی و طیف وسیع موضوعاتی است که ایشان در آن عرصه‌ها وارد شده و در هر یک آثاری دقیق و عمیق از خود برجای گذاشته است. نمونه‌ای از موضوعات متنوع و کتابهای به یادگار مانده از ایشان عبارت است از: فلسفه به معنی متافیزیک و مابعدالطبیعه، در

کتابهایی همچون شرح منظومه، مقالات فلسفی، حرکت و زمان، پاورقی‌های کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم ... عرفان در کتابهایی همچون ولاءها و ولایتها، آشنایی با علوم اسلامی، عرفان، و تماشاگه راز در عرفان حافظ. فقه در کتابهای مسأله حجاب، نظام حقوق زن در اسلام، ده گفتار و ... تاریخ در کتابهای جاذبه و دافعه علی علیه السلام، سیری در سیره ائمه اطهار علیهم السلام، خدمات متقابل اسلام و ایران و ... اقتصاد در کتابهای مسأله ربا، بانک و بیمه، نظری به نظام اقتصادی اسلام و ... اخلاق در کتابهای گفتارهای معنوی، تعلیم و تربیت، حکمتها و اندرزها و ... کلام به معنای سستی آن در کتابهای توحید، نبوت، معاد، ختم نبوت، امامت و رهبری و سلسله کتابهای مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی و همچنین موضوعات متنوع دیگری که به‌عنوان کلام جدید شناخته می‌شود و استادمطهری را باید مؤسس و مبدع این مباحث در ایران دانست و طیف وسیعی از آثار ایشان در این زمینه است.

آخرین نکته‌ای که علاقه‌مندان به مطالعه آثار استادمطهری باید به آن توجه داشته باشند این است که افکار و آراء ایشان علی‌رغم جامعیت و گستردگی و وسعت موضوعات، پاره‌های مختلفی از یک نظام انسجام یافته واحد است. هر چند قسمتهای مختلف اندیشه استاد، هر کدام به نوبه خود از اهمیت و ارزش زیادی برخوردار است، اما اهمیت اصلی این اندیشه‌ها در نظام منسجم و چارچوب مستحکمی است که ایشان از مجموعه تعالیم اسلامی ترسیم نموده است. لذا توجه به پاره‌ای از این اندیشه‌ها و بی‌توجهی و مهمل نهادن بخشهای دیگر، بهره و فایده‌ای را که خواننده از مطالعه مجموعه آثار ایشان می‌تواند ببرد، بسیار کاهش خواهد داد. راه طبیعی رفع این مشکل این است که علاقه‌مندان به مطالعه همه آثار بپردازند که این راه به علت کثرت آثار که تاکنون بالغ بر ۸۰ جلد کتاب شده، دشوار است و ممکن است سبب شود یک جوان مسلمان خود را از مطالعه و فهم و تسلط بر این مجموعه وسیع ناتوان ببیند. اما راه دیگر برای

غلبه بر مشکل مذکور و دست یافتن به دیدگاهی جامع نسبت به کل آثار استاد مطهری، تدوین خلاصه آثار ایشان است.

تلخیص آثار کتاب نویسندگان و متفکران مشهور در کشورهای دیگر امری متعارف و مرسوم است و اینک در ایران نیز تهیه خلاصه‌ای از آثار استاد مطهری، که به همت پژوهشگران دانشگاه امام صادق علیه السلام و مرکز تحقیقات آن دانشگاه صورت گرفته، می‌تواند وسیله مناسبی برای آشنایی با اندیشه‌های آن شهید بزرگوار باشد و مقدمه‌ای برای مطالعه دقیق‌تر و تحقیقات گسترده در آثار آن متفکر ارجمند و راهی برای حل مسائل و مباحثی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به حکم طبیعت اسلامی بودن این انقلاب و حکومت بر خاسته از آن، در جامعه پدید آمده است.

غلامعلی حداد عادل

تهران، بهار ۱۳۷۹ □ □ □

الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما كنا لنهتدی لولا ان هدانا الله

با درود به روان همه پیامبران و برگزیدگان خداوند و بویژه خاتم انبیا، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و برخاندان پاک او، آغاز سخن را اختصاص می‌دهیم به اهمیت و ارزش فوق‌العاده آثار به جامانده از استاد مطهری و ترجیح می‌دهیم به جای این‌که خود به قلم فرسایی بپردازیم، سخنانی از امام راحل (ره) نقل کنیم که فرمودند:

«مطهری که در طهارت روح و قوت ایمان و قدرت بیان کم نظیر بود رفت و به ملاً اعلی پیوست، لکن بدخواهان بدانند که با رفتن او شخصیت اسلامی و علمی و فلسفی‌اش نمی‌رود... آنچه از این استاد شهید باقی مانده با محتوای غنی خود مربی و معلم است... آثار قلم و زبان او بی استثنا آموزنده و روانبخش است... و من کس دیگری را سراغ ندارم که بتوانم بگویم بی استثنا آثارش خوب است... من به دانشجویان و طبقه روشنفکران متعهد توصیه می‌کنم که کتابهای این استاد عزیز را نگذارند با دسیسه‌های غیر اسلامی فراموش شود»^۱

و نیز در بیان اهمیت آثار استاد مطهری این سخنان مقام معظم رهبری کافی است که □□ فرمودند:

۱. پیامهای حضرت امام خمینی علیه السلام به مناسبت شهادت استاد، و اولین و دومین سالگرد شهادت ایشان.

«قدرت فکری، علمی، تسلط بر فلسفه و آشنایی با عرفان، جدیت در کار مستمر و طولانی برای تحقق اهداف مقدس اسلامی در کنار دیگر ویژگی‌های خاص شخصیتی شهید بزرگوار آیت‌الله مطهری، خصوصیات است که به طور یکجا در کمتر چهره‌ای یافت می‌شود...^۱ مبنای فکری انقلاب اسلامی تفکرات شهید مطهری است و لاغیر...^۲ دختران و پسران این مملکت باید قدر کتابهای استاد مطهری را بدانند و [اندیشه‌های] این شهید بزرگ را که هم در گفتار و هم در عمل، هم در آغاز و هم در انجام، اسلام و انقلاب را به ما آموخت، در میان جامعه و متن ملتمان حاضر بدانند...^۳ کتابهای شهید استاد مطهری را کتابهای درسی خود قرار دهید و آنها را بدرستی تدریس کنید و پیرامون آن بحث و تبادل نظر کنید چرا که انقلاب اسلامی در بطن و متن این کتابهاست.»^۴

علی‌رغم قابلیت و توانایی بسیار بالای آثار شهید مطهری در ایجاد یک نظام فکری منسجم و کارآمد در سه زمینه دین و اندیشه و فرهنگ، و علی‌رغم توجه و تأکید فراوان از سوی بزرگان و رهبران انقلاب اسلامی در باب مطالعه و احیاء اندیشه‌های این متفکر بزرگ، حقیقت تلخ این است که بجز چند سمینار و کنفرانس محدود در ایام بزرگداشت مقام معلم که از چند تجلیل و تعریف و تمجید و ذکر خاطره پا فراتر نمی‌نهد، و بجز چند کتاب که صرفاً گردآوری آراء استاد در موضوعاتی نظیر: نماز و عبادت، تبلیغ، هنر، تاریخ فلسفه غرب و... بوده، پس از گذشت ۲۰ سال از پیروزی انقلاب اسلامی هنوز هیچ کار جدی و قابل توجهی بر روی آثار شهید مطهری انجام نشده و باید اذعان نمود که مجموعه آثار ایشان در میان توده مردم و بلکه در میان جوانان تحصیلکرده و

۱. چهار سال دوم، انتشارات اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۶۸، ص ۲۱۷.

۲. چهار سال با مردم، انتشارات حزب جمهوری اسلامی ایران، مرداد ۱۳۶۴، ص ۱۶۶.

۳. در مکتب جمعه، ج ۳، چاپ اول، ۱۳۶۵، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ص ۱۹۶.

۴. چهار سال با مردم، همان، ص ۴۰۸.

حتی در میان افرادی که مطالعات مذهبی دارند، به نحو مطلوب شناخته شده نیست و کمتر کسی به این مجموعه چنان به دیده ارزش نظر می‌کند که شاید و باید. کمتر کسی بر این باور است که این مجموعه به عنوان یک نوع اسلام‌شناسی دقیق و عمیق، امروزه نیز در عموم عرصه‌های فردی و اجتماعی زندگی به صورت توانا و کارآمد می‌تواند نقش ایفا کند. به هر حال انتظار می‌رود کسی که «در اسلام‌شناسی و فنون مختلفه اسلام و قرآن کریم بی‌نظیر بود» و آثارش «بی‌استثنا برای عارف و عامی آموزنده است» و «مبنای فکری نظام جمهوری اسلامی» محسوب می‌شود، بیش از این نزد ما و لاقبل در میان دانش‌آموزان، دانشجویان و طلاب علوم دینی ما شناخته شده باشد.

دفتر مطالعات و تحقیقات علوم اسلامی دانشگاه امام صادق علیه السلام با همکاری برخی از دانشجویان این دانشگاه در جهت آشنایی هر بیشتر جامعه دینی و علمی کشور با آراء و اندیشه‌های شهید مطهری، فعالیت‌های را آغاز نموده است که مرحله نخست آن، تلخیص علمی کتابهای استاد می‌باشد.

در کتابچه راهنمایی که بزودی منتشر خواهد شد، به طور مبسوط توضیحاتی پیرامون اهمیت و ضرورت مطالعه آثار شهید مطهری، معرفی چند سیر مطالعاتی، علت تدوین خلاصه کتابها و شیوه صحیح استفاده از آنها و... ارائه شده است. اما در این جا لازم است توضیحات مختصری درباره کتاب حاضر ذکر شود.

مجموعه‌ای که هم‌اینک پیش روی شماست، خلاصه‌ای است از چهار کتاب ده گفتار، بیست گفتار، گفتارهای معنوی، و حکمتها و اندرزها، مشتمل بر ۹۳ گفتار که با افزودن هفت گفتار پایانی، دربردارنده ۱۰۰ گفتار از سخنرانیها و مقالات استاد مطهری (ره) می‌باشد. در این جا مناسب است به پیشینه هر یک از کتابهای فوق اشاره کنیم:

کتاب ده گفتار که اولین بار در سال ۱۳۵۶ زیر نظر خود استاد مطهری (ره) منتشر شد و تاکنون (تابستان ۱۳۷۹) پانزده بار تجدید چاپ شده، مشتمل بر نه

سخنرانی و یک مقاله است. همان‌طور که خود استاد مطهری در مقدمه این کتاب می‌فرماید، ایشان در سال ۱۳۳۹ همراه با عده‌ای از دوستانشان که دغدغه مسائل دینی داشتند، خصوصاً دکتر محمد ابراهیم آیتی انجمنی را تشکیل می‌دهند که هر ماه تشکیل جلسه می‌داده و چند صد نفر از طبقات مختلف در آن حضور پیدا می‌کرده‌اند. این انجمن که کم‌کم به نام «انجمن ماهانه دینی» معروف شد، دو سال و نیم ادامه یافت و افراد مختلف سی سخنرانی در آن ایراد کردند. هدف این جلسات تحقیق و مطالعه جدی سلسله‌ای از موضوعات دینی بود و سخنرانان پیشاپیش موضوع سخنرانی خود را اعلام می‌کردند و قبل از ایراد سخنرانی، درباره آن، تحقیق نسبتاً جامعی به عمل آورده، اندکی پس از ایراد سخنرانی، متن مذکور را به صورت جزوه‌ای در اختیار شرکت‌کنندگان در جلسه قرار می‌داند که نهایتاً کل این سخنرانیها به صورت سه جلد کتاب به نام گفتار ماه منتشر گردید. خود استاد مطهری معتقد بود که هر چند این جلسات نتوانست ادامه یابد، اما منشأ خیرات و برکات معنوی فراوانی گشت و موجب اصلاحات و جنبشهای گسترده‌تری در مسائل تبلیغی و ارشادی اسلامی گردید. هفت گفتار اولیه کتاب ده گفتار، یادگار هفت سخنرانی استاد در همین انجمن ماهانه دینی است.

گفتارهای هشتم و نهم کتاب ده گفتار، دو سخنرانی تحت عنوان «خطابه و منبر» است که در حدود سالهای ۳۹ تا ۴۱ در انجمن اسلامی مهندسين ایراد شده و در همان سالها در کتابی به نام **گفتار عاشورا** منتشر گردید و بعدها نیز بارها مستقلاً و بدون اطلاع استاد به چاپ رسیده است. آخرین بخش کتاب ده گفتار، مقاله «مشکل اساسی در سازمان روحانیت» است. این مقاله استاد در سال ۱۳۴۱ به همراه سخنرانی‌ها و مقالات اندیشمندان دیگری که به اصلاحات در حوزه می‌اندیشند، همچون علامه طباطبایی، آیت‌الله موسوی زنجانی، مهندس بازرگان و... در کتاب بحثی درباره مرجعیت و روحانیت منتشر شد و از پرفروشترین کتابهای آن زمان شد.

کتاب بیست گفتار مشتمل بر بیست سخنرانی است که استاد مطهری در سالهای ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۱ در رادیو ایران ایراد کرده و این دوره، زمانی بوده است که هنوز رژیم طاغوت به نقش استاد مطهری در نهضت اسلامی پی نبرده بود و اما وقتی که ساواک بتدریج متوجه این مطلب می‌شود، از ادامه این سخنرانیهای رادیویی جلوگیری می‌کند و می‌دانیم که اندکی بعد (در قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲) استاد مطهری نیز همراه جمعی از علما، راهی زندان می‌شود.

وجه جامع سخنرانیهای کتاب بیست گفتار، که بعداً در سال ۱۳۴۳ زیر نظر خوداستاد مطهری منتشر و تاکنون پانزده بار تجدید چاپ شده، تصحیح عقاید مسلمانان در باب برخی آموزه‌های اسلامی است.

کتاب **گفتارهای معنوی** مجموعه‌ای است متشکل از پانزده سخنرانی که در زمانها و مکانهای مختلفی ایراد شده و از این حیث که موضوعات همه آنها درباره مسائل اخلاقی و معنوی است، ابتدا تحت عنوان «گفتارهای معنوی» و از سال ۱۳۷۸ به بعد با افزودن دو گفتار با نام «آزادی معنوی» منتشر گردید و تاکنون بیست بار تجدید چاپ شده است. آنچه در این کتاب بسیار اهمیت دارد تأکید استاد مطهری بر این نکته است که توجه به جنبه‌های اجتماعی اسلام اگرچه ضروری است، اما نباید ما را از توجه به جنبه‌های فردی و معنوی اسلام باز دارد.

کتاب **حکمتها و اندرزها** مجموعه مقالاتی است که استاد مطهری در سالهای ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۱ برای یک برنامه عمومی آشنایی با فرهنگ اسلامی و جهت ایراد به صورت گفتار و خطابه به رشته تحریر درآورده بود. این مجموعه که در آرشیو یکی از موسسات فرهنگی نگهداری می‌شد، مدتی پس از قرار گرفتن در اختیار شورای نظارت بر نشر آثار استاد مطهری در سال ۱۳۷۲ منتشر شد و تاکنون یازده بار تجدید چاپ شده است. در این مجموعه که مشتمل بر ۴۸ مقاله کوتاه است، ابعاد مختلف معنوی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی اسلام بررسی شده است.

در پایان این مجموعه خلاصه هفت سخنرانی و مقاله از استاد مطهری را آورده‌ایم که اغلب آنها به صورت کتابها و جزوه‌های غیرمنظم منتشر شده و در مجموعه آثاری که توسط انتشارات صدرا چاپ می‌شود موجود نیست. سخنرانی اول تحت عنوان «احیای شعائر اسلامی» در سال ۱۳۵۰ در مسجدالنبی مشهد ایراد شده و استاد در آن با استناد به قرآن به این مطلب می‌پردازد که از جمله تعالیم اجتماعی اسلام، برخی شعارها و نموده‌هاست که یک مسلمان باید با آنها زندگی کند تا همواره مسلمان بودنش ظاهر و هویدا باشد. سخنرانی دیگر «خرافه سیزده» یا «دفاع از سیزده» است که در ۱۳ فروردین ۱۳۴۹ در حسینیه ارشاد ایراد شده و در آن استاد بشدت به اعتقاد نحس یا سعد بودن ایام، اعداد و... حمله می‌کند و آن را براساس منابع اسلامی زیر سؤال می‌برد و این اعتقاد را نشانه عقب‌ماندگی فرهنگی می‌شمرد. در اواخر این سخنرانی، استاد بحث کوتاهی درباره امام زین‌العابدین علیه السلام دارد که این بحث اخیر در کتاب سیری در سیره ائمه اطهار علیهم السلام منتشر شده و ما نیز خلاصه این بحث را ذیل کتاب مذکور در دفتر دوم آورده‌ایم.

سخنرانی بعد تحت عنوان «ضرورت فراگیری زبان عربی» است که ظاهراً در سمینار زبان عربی (حدود سالهای ۱۳۵۰ و ۱۳۵۱) ایراد شده است. استاد در این سخنرانی به دو دلیل دینی و ملی بر ضرورت فراگیری زبان عربی تأکید می‌کند. این سخنرانی نیز تاکنون هم به صورت مستقل (مثلاً در سال ۱۳۶۰ توسط نشر روح در قم) و هم به عنوان مقدمه‌ای بر برخی تفاسیر استاد مطهری (مثلاً در سال ۱۳۶۰ توسط نشر مطهری) چاپ شده است. دو گفتار بعد خلاصه‌ای است از دو مقاله تحت عناوین «جستجوی حقیقت» و «سعادت» است که ظاهراً در یکی از مجلاتی که استاد با آنها همکاری داشته منتشر شده‌اند و در سال ۱۳۶۲ توسط دفتر انتشارات اسلامی همراه با برخی دیگر از مقالات استاد در کتابی تحت عنوان مجموعه مقالات منتشر شدند.

گفتار بعد مقاله «الغدیر و وحدت اسلامی» است که استاد مطهری آن را برای یادنامه علامه امینی تألیف نمود و در جلد اول کتاب یادنامه علامه امینی در سال ۱۳۵۲ منتشر می‌شود و بعدها توسط انتشارات صدرا در کتابی تحت عنوان شش مقاله چاپ و منتشر گردید. تمام مقالات آن کتاب جز همین مقاله به صورت مستقل توسط انتشارات صدرا به چاپ رسیده است.

دو گفتار بعد درباره «مسأله نفاق» است و جزء سلسله بحثهای استاد در تفسیر قرآن (ذیل سوره منافقون) می‌باشد. این سخنرانیهای بسیار مهم که در همان اوایل انقلاب (سال ۵۸ و ۵۹) دو بار توسط حزب جمهوری اسلامی در شمارگان بسیار بالا (۳۰ هزار نسخه) منتشر شد، کم‌کم به بوتۀ فراموشی سپرده شد تا این که در اسفند سال ۷۷ متأسفانه تنها جلسۀ آخر آن توسط انتشارات صدرا در ضمن تفاسیر استاد مطهری (آشنایی با قرآن، ج ۷) منتشر گردید.

در پایان این دفتر، ضمیمه‌ای تحت عنوان «نگاهی به کتاب داستان راستان» آمده که در آن پس از معرفی و بیان ابعاد مختلف کتاب داستان راستان، برای آشنایی و از باب نمونه برای هر یک از محورهای نه‌گانه کتاب، داستانی را به طور کامل نقل نموده‌ایم.

شیوۀ ما در تلخیص کتابها چنین است که تمام نکات اصلی را که به عنوان یک موضوع و مطلب مهم و مستقل در سیر استدلالی کتاب به آن اشاره شده است، بدون استثنا منعکس و توضیحات بیشتر و ذکر داستان و مثال و... را حذف نموده‌ایم. بیش از ۹۵٪ متن عیناً همان عبارات و جملات و کلمات استاد مطهری می‌باشد، اما در عین حال متن خلاصه طوری تدوین شده که بدون هیچ ابهام به صورت متن مستقل و جدیدی قابل استفاده می‌باشد. چنان‌که ذکر شد، هدف ما در این مرحله صرفاً تلخیص کتابهاست، نه انجام مطالعات و تحقیقات دیگر، از این رو در این مرحله از افزودن هر مطلب اضافی به خلاصه کتابها خودداری نموده‌ایم و حداکثر تغییری که در تدوین این مجموعه انجام داده‌ایم، عبارت است از جابجایی برخی از مباحث و افزودن برخی عنوانهای جدید.

البته برای غنای علمی بیشتر، تمام آیات و روایات و نقل قولهای متن به منابع و مأخذ اصلی آنها ارجاع داده شده است. این کار با همکاری علمی مؤسسه دارالحدیث قم صورت گرفته و روایاتی که نشانی آنها ذکر نگردیده، مواردی بوده که به گفته مؤسسه مذکور در متون حدیثی مشهور یافت نشده است. ترجمه‌های آیات قرآن که در زیرنویس آمده، بیشتر مأخوذ از ترجمه آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی می‌باشند. نکته دیگر این که برای سهولت مراجعه به کتابهای استاد مطهری، نشانی هر بخش خلاصه شده را نیز نقل کرده‌ایم. این کار به خوانندگان کمک خواهد کرد که پس از مطالعه هر مطلبی در خلاصه‌ها، در صورت تمایل به مطالعه تفصیلی مطالب، براحتی بتوانند به بخش مربوط از اصل کتابهای استاد مطهری مراجعه کنند. در برخی از کتابها که برای رعایت نظم منطقی مباحث، جایجایی بیشتری صورت گرفته، ارجاع به صفحات کتاب اصلی، اهمیت و ضرورت بیشتری می‌یابد.

تلاش ما بر این بوده تا از نظر دقت در نقل مطالب و حتی الفاظ شهید مطهری، نهایت امانتداری صورت بگیرد و خلاصه‌ها بخوبی منعکس کننده تمام مطالب متون اصلی باشند، اما در عین حال به همه خوانندگان عزیز توصیه می‌نماییم که خواندن خلاصه‌ها را موجب بی‌نیازی از مراجعه به متون اصلی کتابها نشمارند و برای فهم بهتر و عمیقتر مطالب، حتماً یک دوره مطالعه کتابهای استاد را در برنامه خود قرار دهند. کتابهای استاد مطهری بالغ بر ۸۰ جلد می‌باشند و خلاصه آنها (به جز آثار فلسفی) ان شاء الله در ۱۰ جلد منتشر خواهد شد. مطالعه اصل کتابها باید به جهت فهم دقیق و عمیق مطالب و مطالعه خلاصه‌ها به منظور مرور و حصول یک نظام فکری به صورت فشرده و یکجا انجام شود.

در پایان از همه عزیزانی که ما را در تهیه این مجموعه یاری نمودند، تشکر می‌کنیم؛ بویژه حضرت آیت‌الله مهدوی کنی و جناب آقای دکتر حداد عادل که بزرگواران قبول زحمت نموده و با نگارش مقدمه‌ای بر این مجموعه، بر غنا و اعتبار آن افزودند. همچنین جناب حجة الاسلام و المسلمین مصباحی،

حجه الاسلام و المسلمین علم الهدی، حجه الاسلام دکتر الویری، حجه الاسلام دهقانی و آقای دکتر ایزدی مبارکه و همه مسؤولان محترم دانشگاه امام صادق علیه السلام که به نحوی در خلق این اثر و نیز در تمهید مقدمات چاپ و نشر آن ما را یاری نمودند. و البته دانشجویان محترم و کارمندانی که در تلخیص، ویرایش، ماشین نویسی، غلط گیری، صفحه آرایی و طراحی روی جلد این مجموعه، از هیچ کمکی دریغ نمودند؛ بویژه آقایان سید مجتبی عزیزی، نورالدین زندیه، حسین سوزنچی، حسین خوشدل، عادل عندلیبی، محمد ناصحی، محمدرضا اخضریان، حسین عرب اسدی، حسن شیخ حایری، محمدحسن مصلی نژاد، حمید بهره مند، محمدرضا علی، مجید عشقی، مهرداد کریم پور، محسن مقنی زاده، سیدمصطفی سجادی و آل یاسین. توفیق روزافزون همه خدمتگزاران به اسلام را از خداوند مسألت داریم.

علی اصغر خندان
دفتر مطالعات و تحقیقات علوم اسلامی
دانشگاه امام صادق علیه السلام
رمضان ۱۴۲۱

خلاصه کتاب

ده گفتار

۱ و ۲. تقوا

تقوا، یکی از کلمات بسیار رایج دینی است و تقریباً به همان اندازه که در مباحث اسلامی از ایمان و عمل یاد شده، از تقوا هم سخن به میان آمده است. این کلمه از ماده «وقی» به معنای حفظ و نگهداری است. راغب اصفهانی در کتاب «مفردات القرآن» می‌گوید:

«وقایه عبارت است از محافظت چیزی از هر چه به آن زیان می‌رساند، و تقوا؛ یعنی حفظ نفس از آنچه بیم می‌رود. معنای اصلی تقوا این است. اما گاهی تقوا بجای خوف و خوف بجای تقوا به کار می‌رود. تقوا در عرف شرع یعنی نگهداری نفس از آنچه انسان را به گناه می‌کشاند، و این، با ترک ممنوعات و محرمات محقق می‌گردد.»^۱ معمولاً در زبان فارسی تقوا را به «پرهیزگاری» یا «ترس» ترجمه می‌کنند و ظاهراً تنها فارسی‌زبانان از این کلمه چنین برداشتی دارند؛ مثلاً در ترجمه «هدی للمتقین»^۲ می‌گویند: «هدایتی برای پرهیزکاران» یا در مورد «اتَّقُوا اللَّهَ»^۳ گفته می‌شود:

۱. المفردات فی غریب القرآن، صص ۵۳۱-۵۳۰.

۲. بقره/ ۲.

۳. حشر/ ۱۸.